

# دلالت‌های ارز معتبر ترند یا شبکه بانکی؟!

نوشته دکتر منوچهر کیانی

در شماره ۸۴ مجله تازه‌های اقتصاد، منتشر شده در دی‌ماه سال جاری مقاله‌ای از آقای دکتر «بیژن بیدآباد» تحت عنوان «بررسی اجمالی اثرات سیاست فروش ارز در بازار غیررسمی اسمار خارجی» به چاپ رسیده که گویا بخشی از تحقیق ایشان درباره «الگوی اقتصادسنجی کلان ایران» را تشکیل می‌دهد و یا بر مبنای آن تحقیق به نگارش درآمده است. در این مقاله، جدولی آورده شده که متأسفانه میزان ارزی را که بانک مرکزی سالانه در «بورس غیررسمی، غیرمتشکل، نامعلوم و ناشناخته خیابان فردوسی و چهارراه اسلامبول» توسط دلالت خود می‌فروشد، به ریال نشان می‌دهد، که نشانه‌ای از نقض غرض است. زیرا به جای اینکه بالاخره پس از سال‌ها، توسط یک مقام رسمی افشا شود که روزانه چند دلار، چند صد هزار دلار و یا طبق تخمین کارشناسان چند میلیون دلار به وسیله کارگزاران بانک مرکزی بین چند صراف توزیع و سپس از طریق افراد رابط، یا دلالت‌ها، به مردم فروخته می‌شود، جدولی تنظیم شده که در آن «خشک و خالی» آمده که در سال جاری (تا زمان نگارش آن مقاله) ۱۱/۸، در سال ۷۷ بیش از ۵/۹، در سال ۷۶ بالغ بر ۱۰/۴، در سال ۷۵ حدود ۵/۴ و در سال ۱۳۷۴ بیش از ۲/۷ میلیارد ریال ارز در بازار غیررسمی به فروش رفته است.

پس از انتشار مقاله مزبور بعضی از روزنامه‌ها، منجمله «اخبار اقتصاد» با تصور اینکه مطلب تازه و مهمی از سوی بانک مرکزی فاش شده است، با تیتیری تحت عنوان «توزیع معادل ۱۱/۸ میلیارد ریال به بازار غیررسمی ارز» مطالبی از مقاله مذکور را مجدداً چاپ کردند، آن هم بدون طرح هیچ‌گونه سؤالی؛ از جمله این که مبلغ بیش از ۱۱/۸ میلیارد ریال چند دلار و یا اینکه این دلارها چگونه توزیع می‌شود و در نهایت این مسافرین هستند که برای اقامت خود در خارج مجبورند مازاد بر آنچه بانک مرکزی در فرودگاه می‌فروشد، دلار بخرند؟ آیا این بیماران هستند که برای معالجه به خارج می‌روند و برای پرداخت مخارج درمان خود احتیاج به ارز دارند و یا خریداران نهایی آن دلارها افرادی هستند که

پس اندازه‌های ریالی خود را تبدیل به ارز می‌کنند تا هم سرمایه نقدی خود را از تورم بالا و گسترده نجات دهند و هم از طریق افزایش مداوم نرخ ارز سودی به دست آورند؟!

بی‌جهت نیست که دست‌اندرکاران مسایل ارزی برآورد می‌کنند که مبالغ کلانی ارز توسط ثروتمندان کشور در داخل و چند برابر آن در خارج از کشور نگهداری می‌شود (فرار سرمایه)!

به احتمال زیاد، هر سه گروه فوق‌الذکر از بازار غیرمتشکل ارز خیابان فردوسی استفاده می‌کنند، اما مهم درصد استفاده هر گروه و میزان ارزی است که بانک مرکزی هر روزه به این بازار سرازیر می‌کند تا تعادل و قیمتی را که خود تعیین می‌کند و مورد نظرش است به وجود آورد. اینکه در هر سالی چند میلیارد ریال ارز در بورس خیابان فردوسی و چهارراه اسلامبول توسط بانک مرکزی فروخته می‌شود، فاقد ارزش و اعتبار است، زیرا اولاً بانک مرکزی در این بازار ریال یا تومان نمی‌فروشد، بلکه دلار، مارک و یا سایر ارزها را عرضه می‌کند و ثانیاً از آنجا که بانک مرکزی دلارها را به قیمت یکسانی نمی‌فروشد و برای هر دوره نرخ متفاوتی را در نظر می‌گیرد، از این رو نمی‌توان به میزان ارز تزریق شده در بازار فردوسی و چهارراه اسلامبول پی برد. بنابراین، اعلام اینکه هر ساله فلان میلیارد ریال ارز در این بازار به فروش می‌رسد، نامفهوم و بی‌معنا است. بدین لحاظ این مطلب که یک محقق چگونه خواهد توانست با این ارقام «گنگ» و «پوشیده شده» به نتایج شفاف و قابل استفاده‌ای دست یابد، پرسشی است بی‌پاسخ و اگر هم کسی برای آن پاسخی بترشد، پذیرش آن از سوی دارندگان عقل سلیم و علمی بعید به نظر می‌رسد.

علاوه بر این پرسش که چرا بانک مرکزی درباره میزان ارزی که هر روزه به بورس خیابان فردوسی و چهارراه اسلامبول تزریق می‌کند، ارقام شفافی ارائه نمی‌دهد، این سؤال اساسی و مهم هم که حتماً باید از طریق قوه قضایی تعقیب شود مطرح است که چرا بانک مرکزی فروش ارز در بازار آزاد را از طریق یکی از بانک‌ها انجام نمی‌دهد. بانک مرکزی به سادگی می‌تواند یکی از

بانک‌ها را مأمور فروش ارز آزاد کند و سپس برای ایجاد تعادل در بازار آزاد ارز، از طریق این بانک دلار به جامعه تزریق کند، درست همان کاری را که در حال حاضر به صورت پنهانی از طریق دلالت خود انجام می‌دهد. این اقدام بانک مرکزی که محرمانه ارز می‌فروشد، اگر هم حساب و کتاب داشته باشد، لابد جز چند نفر محدود به این حساب و کتاب دسترسی ندارند و همین امر زمینه‌ای فراهم کرده تا مسئولین بانک مرکزی خود را در مظان انواع اتهام‌ها و شائبه‌ها قرار دهند. از جمله عده‌ای به حق یا ناحق می‌گویند در روش جاری برخی خواص قبل از عملیات خرید و فروش دلار در بازار آزاد ارز، از نوسانات قیمت آگاهی می‌یابند و خود یا اقوامشان در خرید و فروش‌های به موقع شرکت می‌کنند.

قوه قضاییه باید به امر فوق از طریق کارشناسان خود رسیدگی و حسابرسی کند تا مسئولین در مظان اتهام نباشند. به علاوه کارگزاران تحصیلکرده و باهوش بانک مرکزی باید با انتقال بورس معاملات آزاد ارز از خیابان فردوسی و چهارراه اسلامبول به یکی از بانک‌ها، خود را از دایره شایعات اتهام‌آمیز بیرون بکشند و مبرا سازند. آنان همچنین می‌توانند یک «بورس ارز» همچون «بورس سهام» ایجاد کنند که مدیر عامل مسئول و کارگزاران مکلف داشته باشد تا در آن هر معامله‌ای در چند جا ثبت شود و جلوی هر گونه سوء تعبیری گرفته شود.

این کاری است که در سایر کشورها انجام می‌شود. بانک‌های مرکزی کشورهای اروپایی و «فدرال رزرو» آمریکا هر روز در بازار ارز مداخله می‌کنند و می‌کوشند ارزش پول خود را ثابت نگه دارند و در صورت لزوم حتی از بانک‌های مرکزی کشورهای دوست خود کمک می‌طلبند.

بانک مرکزی کشور ما که در این بیست سال گذشته نتوانسته ارزش داخلی و خارجی ریال را حفظ کند، و قیمت دلار ۷۰ ریالی به ۸۷۰۰ ریال رسیده و بهای کالاها چند صد برابر شده، لاقفل سعی کند با ایجاد یک بازار آزاد ارز «رسمی» و «متشکل» و پدید آوردن حساب و کتاب به شایعات فراوان کنونی خاتمه دهد!